

الدَّرْسُ السَّابِعُ

درس هفتم عربی تخصصی علوم انسانی (۱)

اهداف رفتاری: دانش آموز در پایان این بخش باید بتواند:

- ۱ متن درس را درست بخواند، درست بفهمد و درست ترجمه کند.
- ۲ پیام درس را درک کند.
- ۳ به هنگام ضرورت به حکمت‌های درس استشهاد کند.
- ۴ معنای کلمات جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند.
- ۵ فعل مجهول را در جمله بشناسد و درست ترجمه کند.
- ۶ نایب فاعل و اعراب آن را درست تشخیص دهد.
- ۷ انواع فاعل و نایب فاعل را بشناسد.
- ۸ موصوف و صفت را در جمله درست تشخیص دهد.
- ۹ صفت مؤخَّر را در جمله تشخیص دهد و درست ترجمه کند.^۱

فرایند آموزش

نفت از مهم‌ترین منابع درآمد ایران است. دانستن اطلاعات علمی در این باره برای دانش‌آموز سودمند خواهد بود. همانند سفره‌ای که جز غذای اصلی خوردنی‌های متنوع دیگری نیز بر سر آن است، متن این درس تنوعی جذاب خواهد بود.

۱- منظور از صفت مؤخَّر صفتی است که پس از مضاف و مضاف‌الیه آمده است؛ مانند الصالحین در «السلام علی عبادِ اللَّهِ الصالحین» و العزیز در «یا أخی العزیز».

هماهنگی در ترجمه متن درس هفتم عربی تخصصی علوم انسانی (۱)

﴿هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَاسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا﴾ هود / ۶۱
او شما را از زمین پدید آورد و خواستار آباد کردنش از شما شد.

صِنَاعَةُ النَّفْطِ: صِنْعَتُ نَفْتٍ

كَيْفَ نَحْصُلُ عَلَى النَّفْطِ؟ يَسْتَخْرِجُ الْإِنْسَانُ النَّفْطَ مِنْ بَاطِنِ الْأَرْضِ؛ وَ هَذَا الْإِسْتِخْرَاجُ فِي بَعْضِ الْأَوْقَاتِ يَسْتَعْرِقُ وَقْتًا طَوِيلًا، لِأَنَّ الْحَفَرَ يَكُونُ فِي طَبَقَاتِ الصُّخُورِ.
چگونه نفت را به دست می آوریم؟ انسان نفت را از درون زمین استخراج می کند و گاهی این استخراج وقت بسیاری می گیرد؛ زیرا حفر در طبقات صخره هاست.
في إيران ثرواتٌ كثيرةٌ في باطن الأرض؛ بلادنا غنيَّةٌ بالنَّفْطِ وَ الْغَازِ وَ هِيَ تُصَدَّرُ قِسْمًا مِنْهُمَا إِلَى الْبُلْدَانِ الصَّنَاعِيَّةِ.

در ایران ثروت های بسیاری درون زمین وجود دارد. کشور ما سرشار از نفت و گاز است و بخشی از آنها را به کشورهای صنعتی صادر می کند.
عَرَفَ الْإِنْسَانُ النَّفْطَ مِنْ قَدِيمِ الزَّمَانِ وَ كَانَ يَجْمَعُهُ مِنْ سَطْحِ الْأَرْضِ وَ يَسْتَفِيدُ مِنْهُ كَوَقُودٍ وَ لِمُعَالَجَةِ الْأَمْرَاضِ الْجِلْدِيَّةِ.

انسان نفت را از دیرباز شناخته است و آن را از سطح زمین جمع می کرد و به عنوان سوخت و برای درمان بیماری های پوستی از آن استفاده می کرد.
يَحْفَرُ الْإِنْسَانُ بِرَأٍ وَ يَضَعُ أَنْبُوبًا فِيهَا. يَصْعَدُ النَّفْطُ بِوَاسِطَةِ الْأَنْبُوبِ. يُفْتَحُ وَ يُغْلَقُ الْأَنْبُوبُ بِمِفْتَاحٍ.

انسان چاهی را حفر می کند و در آن لوله ای می گذارد. نفت به وسیله لوله بالا می رود. لوله با کلیدهایی باز و بسته می شود.

نَقَلَ النَّفْطَ عَبْرَ الْأَنْبِيبِ أَقْلَ حَظَرًا وَ نَفَقَةً مِنْ نَقْلِهِ عَبْرَ نَاقِلَاتِ النَّفْطِ؛ وَ لِتَسْهِيلِ نَقْلِ النَّفْطِ بِوَاسِطَةِ الْأَنْبِيبِ عَبْرَ الْمُنْحَدَرَاتِ تُسْتَعْمَدُ أَجْهَزَةٌ تُقَلِّلُ الصَّغْطَ حَتَّى تَبْقَى الْأَنْبِيبُ سَالِمَةً.

انتقال نفت از راه لوله‌ها کم خطرتر و کم هزینه‌تر از انتقال آن از راه نفت‌کش‌هاست و برای آسان‌سازی انتقال نفت به وسیله لوله‌ها از سرازیری‌ها دستگاه‌های کاهش فشار استفاده می‌شود تا لوله‌ها سالم بمانند.

لِإِيرَانَ تَجَارِبُ كَثِيرَةٌ فِي صِنَاعَةِ نَقْلِ النَّفْطِ عَبْرَ الْأَنْبِيَبِ وَ هِيَ مِنْ أَكْبَرِ الدُّوَلِ الْمُصَدِّرَةِ لِلنَّفْطِ وَ أَنْجَحَهَا فِي مَدِّ حُطُوطِ الْأَنْبِيَبِ وَ صِيَانَتِهَا مِنْ أَمَاكِنِ الْإِنْتِاجِ إِلَى أَمَاكِنِ الْإِسْتِهْلَاكِ. ایران تجربه‌های بسیاری در صنعت انتقال نفت از راه لوله دارد و از بزرگ‌ترین کشورهای صادرکننده نفت و موفق‌ترین آنها در کشیدن خطوط لوله و نگهداری آنها از مکان‌های تولید تا مکان‌های مصرف است.

عَلَى امْتِدَادِ الْأَنْبِيَبِ تَوْجَدُ أَعْمِدَةٌ اتِّصَالَاتٍ كَمَحَطَاتِ إِنْذَارٍ، وَ لَوْحَاتٍ تَحْذِيرِيَّةٌ بِاللَّوْنِ الْأَصْفَرِ تَحْذُرُ الْمَوَاطِنِينَ مِنْ حَفْرِ الْأَرْضِ لِبِنَاءِ عِمَارَةٍ أَوْ لِلزَّرْعَةِ؛ وَ تَجِبُ عَلَى كُلِّ مُوَاطِنٍ صِيَانَةُ هَذِهِ الْأَنْبِيَبِ وَ الْإِتِّصَالَ بِالشَّرَكَةِ عِنْدَ مُشَاهَدَةِ الْخَطَرِ.

در امتداد لوله‌ها دکل‌های مخابراتی به‌عنوان ایستگاه‌های هشدار وجود دارند و تابلوهای هشدار به رنگ زرد هم‌میهنان را از کندن زمین برای ساخت ساختمان یا کشاورزی بر حذر می‌دارد و بر هر هم‌میهنی واجب است که از این لوله‌ها نگهداری کند و هنگام دیدن خطر با شرکت [خطوط لوله و مخابرات شرکت نفت] تماس بگیرد. نَحْصُلُ مِنَ النَّفْطِ عَلَى مُشْتَقَّاتٍ كَثِيرَةٍ كَالْبَنْزِينِ وَ الزُّيُوتِ؛ وَ لِلنَّفْطِ اسْتِعْمَالٌ آخَرٌ فِي الصَّنَاعَةِ، فَيُصْنَعُ مِنْهُ الْمَطَاطُ وَ الْعُطُورُ وَ الْأَدْوِيَّةُ وَ مُبِيدَاتُ الْحَشْرَاتِ، وَ مَوَادُّ التَّجْمِيلِ وَ مَعْجُونُ الْأَسْنَانِ وَ السَّمَادُ الْكِيمِيَاوِيُّ وَ غَيْرُهَا.

از نفت فراورده‌های بسیاری مانند بنزین و روغن به‌دست می‌آوریم و نفت در صنعت استفاده دیگری دارد، از آن پلاستیک، عطر، دارو، حشره‌کش، مواد آرایشی، خمیردندان، کود شیمیایی و غیره ساخته می‌شود.

كَيْفَ يُنْقَلُ النَّفْطُ وَ إِلَى أَيْنَ؟ يُنْقَلُ النَّفْطُ مِنَ الْأَبَارِ أَوْ الْمَوَانِي إِلَى الْمَصَافِي عَبْرَ الْأَنْبِيَبِ. نفت چگونه و به کجا انتقال داده می‌شود؟ نفت از چاه‌ها یا بندرها به پالایشگاه‌ها از راه لوله‌ها منتقل می‌شود.

ثُمَّ تَنْقُلُ النَّاقِلَاتُ مُشْتَقَاتِ النَّفْطِ مِنَ الْمَصَافِي إِلَى مَحَطَّاتِ الْوُقُودِ فِي الْبِلَادِ.
سپس نفت کش‌ها مشتقات نفت را از پالایشگاه‌ها به ایستگاه‌های سوخت در کشور
انتقال می‌دهند.

اعلموا

هدف قواعد درس هفتم عربی علوم انسانی آموزش شناخت و ترجمه فعل مجهول در جملات عربی است. الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ فاعِلُهُ یعنی فعلی که فاعلش مجهول است. لفظ فاعِلُهُ بنابر اختصار حذف شده است؛ مانند أَلَصَّفَهُ الْمُشَبَّهَةُ بِاسْمِ الْفَاعِلِ که «باسم الفاعل» حذف شده است.

نام دیگر این فعل الفِعْلُ الْمَبْنِيُّ لِلْمَجْهُولِ است که نیازی به ذکر نام آن در تدریس نیست. از آنجا که در زبان فارسی نیز اصطلاح فعل مجهول به کار می‌رود؛ لذا اصطلاح الْفِعْلُ الْمَجْهُولُ بهتر از الفِعْلُ الْمَبْنِيُّ لِلْمَجْهُولِ است.

هدف این است که دانش‌آموز فعل مجهول را در عبارت تشخیص دهد و درست ترجمه کند.

تذکر مهم: در تمرین‌های کتاب، خواسته شده است که فعل‌های گوناگون از جمله فعل مجهول به تنهایی ترجمه شود. این موضوع صرفاً یک تمرین است و در ارزشیابی میان نوبت و پایانی باید در جمله باشد.

نیازی به ذکر اصطلاحات نایب فاعل و انواع آن در کتاب عربی غیر رشته علوم انسانی و علوم و معارف اسلامی نیست. اما در دو رشته ادبیات و علوم انسانی و علوم و معارف اسلامی آموزش و ارزشیابی این اصطلاحات از اهداف کتاب است.

در جدول موجود در بخش «اعلموا» حرکت فاء الفعل و عین الفعل با قرمز نمایش داده شده است تا کار معلّم در تدریس و کار دانش‌آموز در یادگیری راحت‌تر شود و نوشته‌های کتاب نیز طولانی نشود.

به یاد داشته باشیم که اغلب دانش‌آموز درس را یاد می‌گیرد، ولی با گذشت زمان فراموش می‌کند؛ لذا تکرار و تمرین است که موجب تثبیت آموخته‌ها می‌شود. مشکل اصلی در یادگیری بر سر تفهیم مطالب نیست. تذکر بسیار مهم: به یاد داشته باشیم که در مبحث اعراب کلمات مبنی، مانند کتاب‌های گذشته عمل نکنیم؛ مثلاً در اعراب هَوَ سعیدٌ. این طور عمل کنیم. هَوَ مبتدا و مبنی است. نیازی نیست که گفته شود هَوَ مبتدا و محلاً مرفوع است. دانستن ضمیر مستتر کمکی به فهم زبان نمی‌کند. در واقع وجود این نوع فاعل از نظر منطق لازم نبوده است و به همین دلیل مذکور نیست. در جملات اذهبِ اِلی بیتی. و اِذْهَبْ اِلی بیتی. اگر وجود فاعل لازم بود ذکر می‌شد و گفتن اینکه فاعل ضمیر مستتر انا و اَنْتَ است، ارزشی در فهم زبان ندارند. از دبیران گرامی درخواست داریم به همین اندازه بسنده کنند که در جمله اذهبِ اِلی بیتی. فاعل ضمیر مستتر است و به ذکر اینکه فاعل ضمیر مستتر انا است نیازی نیست؛ برای مثال، در جمله «ما جاءَ اِلاّ انا» اگر بخواهیم بگوییم فاعل ضمیر مستتر هُوَ است، غیر منطقی می‌باشد.

فَنِّ التَّرْجَمَةِ

دانش‌آموز در درس هفتم کتاب عربی پایه نهم با مبحث ترکیب وصفی و اضافی آشنایی مختصری پیدا کرده است. هدف از این آشنایی صرفاً توانایی فهم و ترجمه ترکیب‌هایی مانند اُخْتِ الْكَبِيرَةِ، اَخِي الْاَصْغَرُ، خَائِمَةُ الدَّهَبِي، مَزْرَعَتُنَا الْجَمِيلَةُ و عَمَلُكَ الصَّالِحُ بود.

توجه داشته باشیم که ترکیب وصفی و اضافی در دو زبان فارسی بسیار شبیه هم هستند. در فارسی گفته می‌شود پنجره خانه و در عربی نافذة البيت؛ در فارسی گفته می‌شود «پنجره زیبا» و در عربی «النافذة الجميلة» پس تقدم و تأخری وجود ندارد؛ اما در فارسی گفته می‌شود «پنجره زیبای خانه» و در عربی «نافذة البيت الجميلة» هدف این درس تفهیم همین مطلب است که دانش‌آموز تشخیص دهد «الجميلة» صفت

برای «نافذۀ» است. در ارزشیابی و آزمون سراسری و مسابقات علمی طرح سؤال باید در جمله باشد. طبیعی است که از آنجا که هنوز دانش‌آموزان با مطابقت موصوف و صفت و ویژگی‌های مضاف و مضاف‌الیه آشنا نشده‌اند، لذا طرح سؤال باید با توجه به آموخته‌های آنان باشد. هدف آموزش تطابق موصوف و صفت از نظر جنس، عدد، معرفه و نکره بودن و اعراب نیست. هرچند خود به خود این اتفاق می‌افتد و در خلال قرائت جمله‌ها دانش‌آموز پی می‌برد که تطابقی وجود دارد، اما آموزش مطابقت موصوف و صفت از اهداف آموزشی نیست. همچنین آموزش اینکه مضاف ال و تنوین و نون مثنوی و جمع نمی‌گیرد و مضاف‌الیه مجرور است از اهداف کتاب نیست.

برای فهم ترکیب وصفی و اضافی ابتدا باید دانش‌آموزان را به آموخته‌هایشان در ادبیات فارسی ارجاع داد.

برای تشخیص ترکیب وصفی از ترکیب اضافی باید به نوع کلمات هر ترکیب توجه داشت.

ترکیب اسم + اسم یک «ترکیب اضافی» و ترکیب اسم + صفت «ترکیب وصفی» است. شیوه اصلی تشخیص ترکیب وصفی از اضافی تشخیص نوع کلمات ترکیب (از نظر اسم یا صفت بودن) است؛ اما معمولاً شیوه‌های زیر برای تفهیم دانش‌آموز به کار برده می‌شوند. با افزودن چیزهایی می‌توان ترکیب وصفی را شناخت.

- ۱ افزودن «تر» یا «ترین» به آخر ترکیب؛ مثال: پسرِ زرنِگ، پسرِ زرنِگِ تر
 - ۲ افزودن فعل ربطی به آخر ترکیب‌ها؛ مثال: پسرِ زرنِگ است. پسرِ زرنِگ بود.
 - ۳ افزودن «ی» یا «بسیار» بین دو کلمه؛ مثال: پسرِ زرنِگ، پسرِ بسیارِ زرنِگ
- اگر با افزودن موارد فوق ترکیب‌ها از نظر معنا صحیح باشند، نوع ترکیب وصفی و در غیر این صورت اضافی است.

نکته: برای تشخیص اسم و صفت، بیشترین مشکل دانش‌آموزان در شناخت اسم معنی است، یعنی اسمی که وجود ظاهری ندارد و وجودش وابسته به چیزی دیگر است؛ مثل هوش.

حوارات

گفت‌وگو با مسئول پذیرش هتل از موضوعات پرکاربرد در آموزش مکالمه است و در این درس به این موضوع پرداخته شده است. در متن مکالمه عدد مئتان و عشرون به کار رفته است. هدف توسعه آموزش عدد نیست. همین یک مثال، کافی است که دانش‌آموز بداند عددهای صد به بالا نیز ساده است و همین که تا صد را می‌داند، نشانگر دانستن بقیه اعداد است.

تمرین‌ها

تمرین اول: هدف تقویت توانایی دانش‌آموز در کاربرد واژگان و درک مطلب است. از فراگیر می‌خواهیم هر جمله را بخواند و ترجمه کند. این کار نمره شفاهی او را تشکیل می‌دهد. در این تمرین فراگیر در پی یافتن پاسخ در واژگان درس بر می‌آید. او باید بتواند معنای جملات را بفهمد تا بتواند کلمه مرتبط با معنای آنها را در واژه‌نامه آغازین درس بیابد.

تمرین دوم: هدف تقویت مهارت شناخت فعل است. تذکر مهم اینکه نباید در امتحانات معنای فعل را به تنهایی و بیرون از جمله خواست. این بخش از کتاب صرفاً به منظور تقویت آموخته‌هاست. درجه دشواری این تمرین بالاست.

تمرین سوم: هدف تقویت مهارت زبانی خواندن، واژه‌شناسی و ترجمه است. در همه تمرینات کتاب درست خواندن و درست ترجمه کردن مد نظر است. طرح این سؤال در امتحانات توصیه می‌شود.

تمرین چهارم، پنجم، هشتم، نهم و دهم: هدف تشخیص انواع فعل است؛ هرچند توانایی تشخیص و ترجمه درست فعل هم مد نظر است. تشخیص نوع فعل و ترجمه درست آن به تدریج موجب می‌شود تا دانش‌آموز بتواند فعل نیز بسازد. شیوه درست آموزش نیز همین است که ابتدا باید بتواند درست بشنود و درست بخواند، سپس درست بفهمد

و درست ترجمه کند، آنگاه بی‌آنکه معلّم از او ساختن را بخواهد ساختن نیز حاصل می‌شود. به خاطر ارزش بالای یادگیری فعل مدام مشابه این تمرینات در کتاب تکرار می‌شود. این تکرار در دو سال آینده نیز ادامه خواهد یافت.

البحث العلمي

هدف تقویت فعالیت‌های پژوهشی در دانش‌آموزان است. یافتن آیه، حدیث، بیت یا سخنی نغز و دلنشین دربارهٔ نعمت‌های خداوند است. به یاد داشته باشیم درس عربی با همهٔ دروس دیگر، فرق اساسی دارد. زبان این درس فارسی نیست؛ لذا نمی‌توان در بخش پژوهش توقع داشت همانند سایر دروس عمل شود. حتی درس عربی با انگلیسی نیز متفاوت است چون در درس عربی هدف اصلی فهم متن است. حجم پژوهش چندان مدّ نظر نیست. شاید چند سطر پژوهش از چند صفحه بالاتر باشد. اجرای این بخش در کلاس در صورت داشتن فرصت زمانی است.

ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی

می‌توان در این مورد پاورپوینت یا نمابندگ‌های کوتاهی تهیه کرد و متن درس را به کمک آنها بهتر آموزش داد. می‌توان برای آموزش قواعد از شیوهٔ نمایشی بهره گرفت. برای مثال، معلّم به نوشته‌ای روی تخته اشاره می‌کند و می‌گوید چون من نمی‌دانم چه کسی این را نوشته است می‌گویم «كُتِبَ عَلَى اللّٰوْحِ». بعد می‌پرسد چه کسی نوشته است و وقتی مطلع شد برای نمونه، می‌گوید «كَتَبَ ناصِرٌ عَلَى اللّٰوْحِ». می‌توان دانش‌آموزان را پای تخته آورد و از آنها ترجمهٔ فعل خواست؛ مثلاً معنای این فعل‌ها خواسته شود:

كُتِبَ، كَتَبَ، يَكْتُبُ، يُكْتَبُ، عَسَلَ، عَسَلَ، يُعَسِلُ، يُعَسَلُ و ...

ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی این درس همانند دروس قبلی است. روش کار یکی

است.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

۱ فعل مجهول در محاورات روزمرهٔ عربی و گویش‌های محلی بر وزن انفعال، ینفعل بسیار آمده است؛ مثال: انقتل (انکتل): کشته شد، انغلق: بسته شد، انفتح: باز شد، انظلم: ستم شد، انکتب: نوشته شد، انطبخ: پخته شد، انشرب: نوشیده شد، انسَمع: شنیده شد، انخرب: خراب شد، انصنع: ساخته شد، انجرح: زخمی شد و ...

۲ اِپل به معنای شتران و جمع آن آبال است. این کلمه مفرد از جنس خودش ندارد.

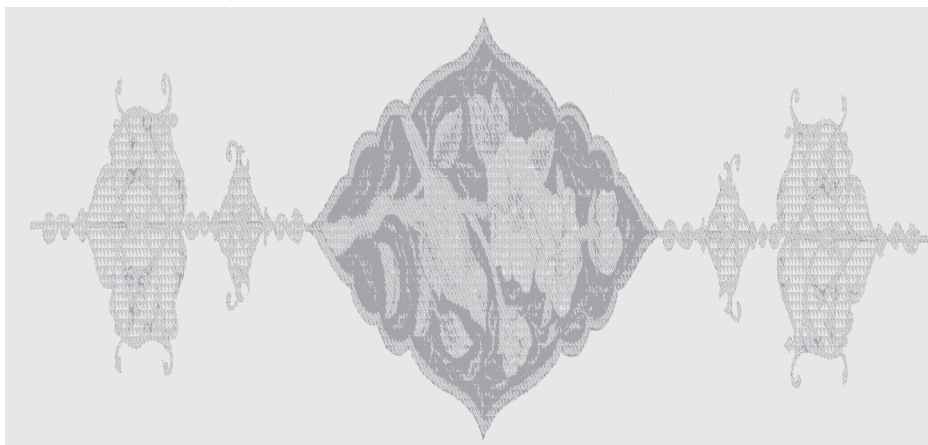
۳ رُزّ به معنای برنج همان الأرزّ و برگرفته از یونانی است. در گویش عراقی تَمَن گفته می‌شود.

۴ نَفط و نَفط هر دو درست هستند. نفت واژه‌ای فارسی است که وارد عربی شده است. در اوستا نپته آمده است.

۵ معادل روغن در عربی عبارت است از: زَیت، دُهْن و سَمَن

۶ معنای کلمهٔ «انتقال» در فارسی و عربی فرق دارد. در فارسی معنای متعدّی و در عربی معنای لازم دارد.

۷ آبار جمع بئر است. آبار در اصل آبئار و خلاف قاعده، آبار گفته شده است. در گویش عربی حجازی آبیار می‌گویند.



الدَّرْسُ الثَّامِنُ

درس هشتم عربی زبان قرآن (۱)

اهداف رفتاری: دانش‌آموز در پایان این درس باید بتواند:

- ۱ متن درس را درست بخواند، درست بفهمد و درست ترجمه کند.
- ۲ پیام درس را درک کند.^۱
- ۳ معنای کلمات جدید این درس را از عربی به فارسی بیان کند.
- ۴ به هنگام ضرورت به حکمت‌های درس استشهاد کند.
- ۵ اسم فاعل، اسم مفعول و اسم مبالغه را در متن و عبارت تشخیص دهد و درست ترجمه کند.

فرایند آموزش

متن درس دربارهٔ ملامت ادب فارسی است. نقش این درس در تبیین یکی از اهداف اصلی آموزش عربی در ایران بسیار ارزنده است. دانش‌آموز با خواندن ملامت شیخ اجل سعدی و لسان الغیب حافظ پی می‌برد که زبان و ادبیات فارسی با زبان و ادبیات عربی پیوندی ژرف دارد. هدف این درس، در اصل این است که فراگیر متوجه ارتباط میان دو زبان فارسی و عربی شود. مطابق اصل ۱۶ قانون اساسی یکی از اهداف آموزش عربی کمک به فهم بهتر زبان و ادبیات فارسی است.

دو اثر هنری به کار رفته در درس «نقّاشی خط» نام دارند.

پس از پایان متن درس، به روال دروس پیشین درک مطلب طرّاحی شده است که باید درستی، یا نادرستی هر عبارت با توجه به متن درس طرّاحی شود.

۱- پیام متن اول و دوم درس دوستی و عشق به محبوب و ارزش آن است.

صِنَاعَةُ التَّلْمِيعِ فِي الْأَدَبِ الْفَارِسِيِّ

إِنَّ اللَّغَةَ الْعَرَبِيَّةَ لَعَةُ الْقُرْآنِ وَالْأَحَادِيثِ وَالْأَدْعِيَةِ فَقَدْ اسْتَفَادَ مِنْهَا الشُّعْرَاءُ الْإِيرَانِيُّونَ
وَأَنْشَدَ بَعْضُهُمْ أَبْيَانًا مَمْرُوجَةً بِالْعَرَبِيَّةِ سَمَّوْهَا بِالْمَلْمَعِ؛ لِكَثْرَةِ مِنَ الشُّعْرَاءِ الْإِيرَانِيِّينَ
مُلَمَّعَاتٍ، مِنْهُمْ حَافِظُ الشِّيرَازِيِّ وَ سَعْدِيُّ الشِّيرَازِيِّ وَ جَلَّالُ الدِّينِ الرَّومِيُّ الْمَعْرُوفُ
بِالْمَوْلَوِيِّ.

آرایه تلمیع در ادبیات فارسی

زبان عربی زبان قرآن، احادیث و دعاهاست که شاعران ایرانی از آن استفاده کرده‌اند
و برخی از آنان ابیاتی آمیخته به عربی سروده‌اند که آن را ملّمّع نامیده‌اند؛ بسیاری از
شاعران ایرانی ملّمّعات دارند، از آن جمله حافظ شیرازی، سعدی شیرازی و جلال‌الدین
رومی معروف به مولوی.

مَلْمَعُ حَافِظِ الشِّيرَازِيِّ لِسَانَ الْعَرَبِ

از خون دل نوشتم نزدیک دوست نامه
... من روزگار را از دوری تو همچون قیامت دیدم. یا ...
دارم من از فراقش در دیده صد علامت
... آیا این اشک‌های چشمم برای ما نشانه نیست؟
هر چند کازمودم از وی نبود سودم
... هرکس آزموده را بیازماید پشیمان می‌شود.
پرسیدم از طیبی احوال دوست گفتا
... در دوری‌اش عذاب و در نزدیکی‌اش سلامت هست.
گفتم ملامت آید گر گرد دوست گردم
... به خدا عشقی را بدون سرزنش ندیده‌ایم
حافظ چو طالب آمد جامی به جان شیرین
... تا جامی از بزرگواری را از آن بچشد.



سَلِ الْمَصَانِعَ رَكْباً تَهِيماً فِي الْفَلَوَاتِ تو قدرِ آبِ چه دانی که در کنارِ فُرَاتی
از آب‌انبارها درباره‌ی سوارانی که در بیابان‌ها تشنه‌اند بپرس ... (الْمَصَانِعُ آب‌انبارهایی بودند که مزه‌
گواری نداشتند، ولی برای تشنگان بیابان نعمتی بزرگ بوده است.)

شبنم به روی تو روزست و دیده‌ام به تو روشن وَ إِن هَجَرْتَ سَوَاءَ عَشِيَّتِي وَ عَدَاتِي
... و اگر [از من] جدایی‌گزینی (جدا شوی) شب و روزم برابر می‌شود.

اگر چه دیر بماندم امید بر نگرفتم مَضَى الزَّمَانُ وَ قَلْبِي يَقُولُ إِنَّكَ آتِي
... زمان گذشت و دلم می‌گوید قطعاً تو می‌آیی.

من آدمی به جمالت نه دیدم و نه شنیدم اگر گلی به حقیقت عَجینِ آبِ حیاتی
شبان تیره امیدم به صبح روی تو باشد وَ قَدْ نَفَّسْتُ عَيْنُ الْحَيَاةِ فِي الظُّلُمَاتِ
... و گاهی چشمه‌ی زندگی در تاریکی‌ها جست‌وجو می‌شود.

فَكَمْ تَمَرَّرُ عَيْشِي وَ أَنْتَ حَامِلٌ شَهِيدٍ جواب تلخِ بدیع است از آن دهانِ نباتی
چه بسیار زندگی‌ام را تلخ می‌کنی در حالی که حاملِ عسل هستی! ...

نه پنج‌روزه‌ی عمرست عشق روی تو ما را وَ جَدَّتْ رَائِحَةُ الْوُدِّ إِذْ شَمَمْتَ رُفَاتِي
... اگر خاکِ قبرم (استخوانِ پوسیده‌ام) را ببویی، بوی عشق را می‌یابی.

وَصَفْتُ كُلَّ مَلِيحٍ كَمَا تُحِبُّ وَ تَرْضَى محامد تو چه گویم که ماورای صفاتی
هر بانمکی را همان‌گونه که دوست داری و می‌پسندی وصف کردم. ...

أَخَافُ مِنْكَ وَ أَرْجُو وَ أَسْتَغِيثُ وَ أَدْنُو که هم کمند بلایی و هم کلیدِ نجاتی
از تو می‌ترسم و به تو امید دارم و از تو کمک می‌خواهم و به تو نزدیک می‌شوم. ...

ز چشمِ دوستِ فتادم به کامه‌ی دلِ دشمن أَحَبَّتِي هَجْرُونِي كَمَا تَشَاءُ عَدَاتِي
... یارانم از من جدایی‌گزیدند همان‌طور که دشمنانم می‌خواهند.

فراق‌نامه‌ی سعدی عجب که در تو نگیرد وَ إِن شَكَّوْتُ إِلَى الطَّيْرِ نُحْنُ فِي الْوُكُنَاتِ
... و اگر به پرندگان شکایت برم در لانه‌هایشان با صدای بلند بگریند و شیون کنند.

اعلموا

هدف قواعد این درس آشنایی با اسم فاعل و اسم مفعول به دو شکل ناظر، منظور و مُنتظر، مُنتظر است. اصطلاحات ثلاثی مجرد و مزید در رشته‌های غیر انسانی و معارف نیاز به ذکر ندارد. طرح این قواعد از آنجاکه در زبان فارسی بسیار کاربرد دارد ارزش فراوانی دارد. ساختن این مشتقات مدّ نظر نیست. فقط شناختن آنها و درست معنا کردن هدف است. در زبان فارسی این سه مشتق پربسامد هستند؛ لذا آموزش آن چندان دشوار نیست.

الجوارات

خرید سیم‌کارت در سفرهای زیارتی نیاز بسیاری از زائران است. این مکالمه نحوه صحیح گفت‌وگو را آموزش می‌دهد.

تمرین‌ها

تمرین اول: هدف این تمرین، تقویت توانایی درک مطلب است. از فراگیر می‌خواهیم هر جمله را بخواند و ترجمه کند. حلّ همه تمرینات بر عهده دانش‌آموز است و معلّم فقط نظارت می‌کند. هدف تقویت مهارت خواندن و ترجمه است. دانش‌آموز باید با توجه به متن درس درستی، یا نادرستی عبارت‌ها را معلوم کند.

طراحی این تمرین عمده ساده صورت گرفته است، شایسته است در امتحان نیز این تسهیل صورت بگیرد.

تمرین دوم تا پنجم: هدف تقویت مهارت واژه‌شناسی است. تمرین سوم افزون بر جنبه واژه‌شناسی ناظر به قواعد درس نیز می‌باشد.

در تمرین پنجم هر جمله علاوه بر اینکه خوانده می‌شود، خواهی نخواهی باید ترجمه نیز شود، هرچند در صورت سؤال ترجمه خواسته نشده است؛ برای اینکه دانش‌آموز بتواند هر کلمه را در جای خالی مناسب قرار دهد، ناگزیر است که معنای عبارت را درک کند. طرح سؤال از این تمرین در امتحانات نیز مناسب است.

تمرین ششم: هدف تثبیت آموخته‌های درس در زمینه قواعد است. گزینش احادیث نشانگر هدف اصلی آموزش عربی در ایران است. سخنان برگزیده می‌تواند در باور و نگرش دانش‌آموز تغییر حاصل کند.

تمرین هفتم، هشتم و نهم: هدف تقویت قدرت ترجمه انواع فعل است. این تمرینات برای تقویت شناخت و ترجمه فعل طرّاحی شده است. در امتحان لازم است که ترجمه فعل در داخل جمله خواسته شود. مشابه این تمرینات در کتاب بسیار تکرار شده است و این یکی از امتیازات حُسن تألیف کتاب است. ارزش یادگیری فعل در هر زبانی از جمله عربی بسیار بالاست و در حقیقت مهم‌ترین مبحث در آموزش هر زبانی فعل است.

تمرین نهم: هدف تشخیص نقش کلمات است؛ مثلاً در آیه

﴿لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ﴾

کافی است دانش‌آموز پاسخ دهد کلمه «مَنْ» فاعل است و نیازی نیست بگوید فاعل و محلاً مرفوع است.

یا در مورد کلمه «الغیب» کافی است بگوید مفعول است و ذکر اینکه مفعول به و منصوب به فتحه است از اهداف کتاب‌های غیر انسانی و معارف نیست.

أنوار القرآن، ارزشیابی و وسایل کمک آموزشی

توصیه‌هایی که در دروس پیشین نوشته شد در این درس نیز مصداق دارد.

البحث العلمي

موضوع پژوهش درس هشتم آرایه ادبی تلمیح است.

المُعْجَم

تمام واژگان سه سال گذشته در کنار واژگان پایه دهم در انتهای کتاب ذکر شده است. از آنجا که نقش اصلی ترجمه متون و عبارات برعهده دانش‌آموز است، بنابراین،

لغت‌نامه پایان کتاب کامل است تا از این نظر مشکلی برای دانش‌آموز پیش نیاید. نظر به اهمیت فعل در یادگیری هر زبانی تمام فعل‌ها با رنگ قرمز متمایز شده‌اند. این بخش از کتاب برای تدریس نیست.

دانش‌افزایی برای دبیر (نه برای دانش‌آموز)

۱ تلمیع در لغت، یعنی درخشان کردن. مُلَمَّع یا تَلْمِيع یا دوزبانگی یکی از آرایه‌های ادبی در علم بدیع است. مَلَمَّع در اصل به معنای اسب و جز آن است که پوست بدنش دارای لکه‌ها و خال‌هایی غیر از رنگ اصلی باشد.

تلمیع آن است که یک شعر یا سروده در دو زبان یا گاه بیشتر سروده شده باشد. به شعری که به این روش سروده شده باشد شعر مُلَمَّع گفته می‌شود.

روش سخنوران در بهره‌گیری از این آرایه ادبی این است که پاره‌ای یا بیتی از شعر را به زبانی دیگر می‌سرایند. در ادبیات فارسی این زبان دیگر، بیشتر عربی بوده است. نمونه‌ای از این آرایه با بیش از دو زبان، «سه‌گانه‌های» سعدی است که در آنها بیتی به عربی، بیتی به فارسی و بیتی دیگر به گویش بومی شیرازی سروده شده است.

۲ رَكْب: جمع اَرْكَب و رُكُوب: شترسواران یا اسب‌سواران، این واژه اسم جمع است و گفته‌اند جمع است.

۳ «قَدْ» حرف است که اختصاص به فعل داده می‌شود به شرط اینکه فعل متصرف، خبری و مثبت و خالی از عامل جزم و نصب باشد. این حرف از فعل جدا نمی‌شود، مگر با قسم که میان آن و فعل فاصله می‌افتد و مضمون آن را تأکید می‌کند. عبارت «قَدْ لَا يَفْعَلُ»: صحیح نیست، صحیح آن «رُبَّمَا لَا يَفْعَلُ»، یا «لَنْ يَفْعَلَ» است؛ گاهی «قَدْ» با فعل مضارع معنای توقع دارد؛ مانند: «قَدْ يَقُومُ الغَائِبُ الْيَوْمَ» و نیز به معنای تقلیل می‌آید؛ مانند: «قَدْ يَصْدُقُ الكذوبُ»؛ یعنی دروغگو کمتر راست می‌گوید و گاهی به معنای تحقیق با فعل ماضی می‌آید؛ مانند: «قَدْ افْلَحَ مَنْ اتَّقَى اللَّهَ» و گاهی برای وصل گذشته به حال می‌آید؛ مانند: «قَدْ قَامَ فُلَانٌ» و گاهی معنای بسیار را با فعل مضارع می‌دهد؛ مانند: «قَدْ أَشْهَدُ

الْعَارَةَ الشَّعْوَاءَ تَحْمَلْنِي»؛ یعنی چه بسیار حمله‌های سخت را می‌بینم.

پاسخ پرسش‌های دبیران

مواردی دربارهٔ جواز مذکر و مؤنث آمدن فعل

۱ کقولك: قام رجال، وقامت رجال. و جاءت الفواطم، و جاء الفواطم ... و الأفضل التذكير مع المذكر، و التأنيث مع المؤنث، إلا أن يفصل بينهما بفواصل فحينئذ يكون التأنيث أفضل.

۲ أن يكون الفاعل مؤنثاً حقيقياً مفصلاً بينه، و بين فعله بفواصل، غير (إلا)؛ كقولك: حضرت المجلس امرأة، و حضر المجلس امرأة ... و التأنيث أفصح. فإن كان الفاصل (إلا)، و جب تذكير الفعل؛ كقولك: ما قام إلا فاطمة.

۳ أن يكون الفاعل مؤنثاً مجازياً ظاهراً. أي: ليس بضمير؛ كقولك: طلعت الشمس، و طلع الشمس ... و التأنيث أفصح.

۴ أن يكون الفاعل مؤنثاً ظاهراً، والفعل (نعم)، أو (بئس)، أو (ساء) التي للذم؛ كقولك: نعمت هند، و نعم هند. و بئست هند، و بئس هند. و ساءت هند، و ساء هند .. و التذكير في ذلك كله أجود.

۵ أن يكون الفاعل ضميراً منفصلاً لمؤنث؛ كقولك: إنما قام هي، و إنما قامت هي. و الأحسن ترك التأنيث.

۶ أن يكون الفاعل مذكراً مجموعاً بالألف والتاء؛ كقولك: قام الطلحات، و قامت الطلحات ... و التذكير أحسن.

۷ أن يكون الفاعل ضميراً يعود إلى جمع تكسير لمذكر عاقل؛ كقولك: الرجال جاؤوا، و الرجال جاءت .. و التذكير بضمير الجمع العاقل أفصح.

۸ أن يكون الفاعل ملحقاً بجمع المذكر السالم؛ كقولك:

قام بنو فلان، و قامت بنو فلان. و من الثاني قوله تعالى:

﴿قَالَ آمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا الَّذِي آمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ﴾ يونس، ٩٠

۹ أن يكون الفاعل اسم جنس جمعِيٍّ، أو اسم جمع. فالأول كقولك: قال، و قالت العرب، أو الروم، أو الفُرس، أو التُّرك. وأورق الشجر، و أورقت الشجر ... و الثاني كقولك: جاء، و جاءت النسوة، أو النساء، أو القوم، أو الرهط، أو الإبل. و على الثاني جاء قوله تعالى:

﴿ وَ قَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ ﴾ يوسف، ۳۰ ...

فإن تقدم الفاعل على الفعل، و جب تأنيث الفعل؛ كما في قوله تعالى:

﴿ مَا بَالَ النَّسْوَةِ اللَّاتِي قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ ﴾ يوسف، ۵۰

نقد و بررسی نحو سنتی و نحو جدید

پيچیدگی‌های نحو و آرای گوناگون نحویان از نخستین سده‌های انتشار زبان عربی، آموزش نحو را با دشواری‌هایی روبه‌رو ساخته است؛ به همین دلیل، بسیاری از صاحب‌نظران با طراحي الگوهای نو و تأليف آثار نوین، تلاش کرده‌اند مشکلات آن را برطرف کنند، یکی از این آثار، کتاب «احياء النحو» است که در سال ۱۹۳۷ به دست ابراهيم مصطفی در مصر نوشته شد. با انتشار کتاب در آغاز جنجالی به پا ساخت و مورد نقدِ موافقان و مخالفان قرار گرفت. در سال ۱۹۳۸ وزارت فرهنگ مصر به مشاورت طه حسين و گروهی از زبان‌شناسان انجمنی تشکیل داد تا آسان‌سازی نحو و آرای ابراهيم مصطفی مورد بررسی قرار گیرد، پس از اینکه انجمن، آرای ابراهيم مصطفی یعنی کتاب احياء النحو را تصدیق نمود، وزارت در صددِ تعميم و توزيع آن در بين کشورهای عربی برآمد تا در این باره از نظر علمای نحوی آن دیار آگاه گردد. دولتِ عراق، نقد و بررسی این طرح را به شیخ محمدجواد جزائری سپرد، ولی گرایش‌های حوزوی جزائری به نحوِ قدیم، موجب شد تا طرح جدید را تماماً به دیدهٔ عیب و نقص بنگرد و به دلایل مختلف در برابر هریک از بندهای آن جواب ردی ارائه کند و در نتیجه نحوِ قدیم را بر نحو جدید ترجیح دهد. در حال حاضر بسیاری از بزرگان صرف و نحو در جهان اسلام خواستار آسان‌سازی و اصلاح در ارائهٔ مباحث دستور زبان عربی شده‌اند.